

## چالش‌های کارت اعتباری

### چکیده

در این مقاله، مقاومت‌ها و چالش‌هایی که برای توسعه کارت اعتباری در داخل کشور از آن نام برده می‌شود به سه بخش تقسیم شده‌اند، از منظر بانک‌های تجاری و از نظر اجتماعی و اقتصادی.

در بخش اول می‌توان گفت مسایل مطروحه به عنوان چالش‌های شبکه بانکی در این حوزه، قابل حل به نظر می‌رسند. و توان بانکی فقط نیاز به یک اراده جدی برای به حرکت درآوردن قطار اعتباری دارد. مدل درآمدی کارت اعتباری منطبق با مدل درآمدی بانک و فعالیت بانکداری است. و بدین دلیل کارت اعتباری، یکی از کسب و کارهای موفق در عرصه بانکداری شناخته می‌شود. چالش‌های فنی و فقهی در بانک‌های کشور به انتها رسیده‌اند و کارت اعتباری، منافع غیرمستقیم دیگری از جمله افزایش سلامت و شفافیت بخش اعتبارات خرد بانکی برای بانک‌ها به همراه دارد. در این مقاله، دغدغه‌های شبکه بانکی در ایران در زمینه کارت اعتباری یعنی وامی بی‌پشتوانه و پرهزینه و مشکلات تامین اعتبار برای حجم انبوه متقاضیان، تشریح می‌گردند و با ارایه راهکار این نگرانی‌ها قابل مدیریت عنوان شده‌اند.

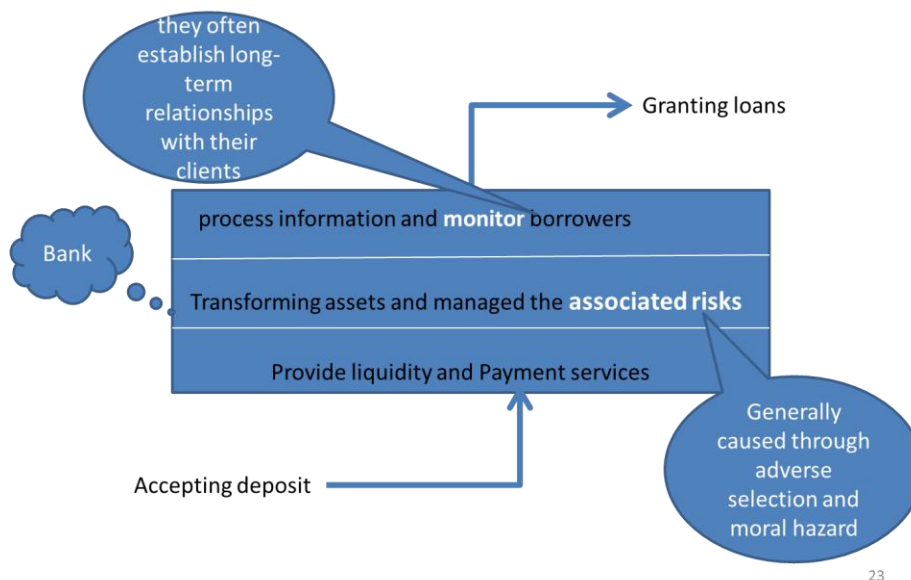
در بخش اجتماعی شاید بعضی ادعا کنند که فرهنگ کارت اعتباری یک فرهنگ مصرف‌گرایانه است، این موضوع شاید در جامعه کنونی امریکا تا حدودی قابل طرح باشد ولی در ایران در این بازه زمانی به جرات می‌توان گفت که کارت اعتباری، تحول جدیدی در فرهنگ اعتباری ایجاد خواهد کرد و تبعات و پیامدهای بکارگیری کارت اعتباری در جامعه، کیفیت زندگی و شکل روابط اجتماعی مردم را وارد فاز جدیدی از زندگی متمدن انسان امروزی می‌کند.

و اما در بخش آخر، متاسفانه باید گفت که کارت اعتباری کارایی و اثربخشی لازم را در بخش اقتصادی نخواهد داشت و خصیصه عمده پرداخت‌های الکترونیک و بطور خاص کارت اعتباری برای رونق چرخه اقتصادی و یا روغن کاری موتور محرکه اقتصاد (یعنی افزایش شاخص مصرف)، در چرخه اقتصادی کشور ما موثر نخواهد بود چراکه چرخه اقتصادی، چرخه‌ای معیوب بوده و ساختارهای آن در کشور با چالش‌هایی روبرو می‌باشد که گره آنها به دست کارت اعتباری باز نخواهد شد. کارکرد صحیح این چرخه مستلزم اراده و عزم ملی است. و برای اثربخشی محرک‌های اقتصادی بانکی و غیربانکی دو راهکار کوتاه و بلند مدت ارایه می‌گردد.

**کلمات کلیدی:** چالش‌های کارت اعتباری، توسعه کارت اعتباری، گسترش کارت اعتباری، چرخه اقتصادی، چالش بخش تولید، راهکاری برای بخش تولید

## الف - چالش‌های کارت اعتباری از منظر بانک‌ها:

در یک نگاه مختصر و اجمالی به مدل کسب و کار بانکی می‌توان دید که بانک‌ها با دریافت سپرده از مردم (قرض دهندگان) و تبدیل این بدهی‌ها به دارایی و تمرکز بر شناخت صحیح قرض گیرندگان، طی یک فرایند پرهزینه شامل هزینه ریسک، هزینه‌های مدیریت مشتری، تراز و غیره، درآمد کسب می‌کنند. مدل درآمدی اکثر بانک‌های دنیا چنین است. البته درآمدهای اصطلاحاً خارج از این تراز بدهی و دارایی، ناشی از کارمزدها و حق-العمل‌های خدمات مالی و بانکی، بخش دیگری از درآمدهای بانکی است.



تصویر ۱ - مدل کسب و کار بانک

در ایران حجم منابع بانکی و رشد آن از نرخ خوبی برخوردار است جمعیت unbanked (کسانی که مستقیماً از خدمات سپرده و یا تسهیلات بانکی استفاده نمی‌کنند) در کشور پایین است. مردم جوان کشور ما از خدمات مالی مستقیم و غیر مستقیم بانک‌ها بهره می‌برند. بر این اساس، نه تنها بانک‌ها با تامین اعتبار جهت پرداخت تسهیلات کوتاه مدت و باز دریافت پر بازده آن تسهیلات، مخالفتی ندارند! برعکس، یکی از کسب و کارهای موفق در دنیای بانکی بر این اساس استوار است و در کشور ما نیز، آمارها و اعداد و ارقام در سال‌های اخیر حکایت از مازاد منابع بانکی دارند و به لحاظ مدل درآمدی و نیز تامین اعتبار لازم حتی برای حجم انبوه متقاضیان، شبکه بانکی مشکلی نخواهد داشت.

ولیکن در کشورما، به کارت اعتباری به عنوان وام بدون پشتوانه (دارایی پرخطر به همراه افزایش مطالبات معوق بانکی)، پرهزینه و بدون سود نگریده می‌شود و با چنین نگاهی قطعا کارت اعتباری، برای بخش‌های مالی مشکل-آفرین می‌شود و بدیهی است که بانک‌ها به سمت گسترش این محصول نمی‌روند. برای این چالش:

- در شرایطی که هزینه نگهداری پول و ارایه خدمات بانکی و هزینه ریسک در فرایند تبدیل بدهی به دارایی، افزایش چشمگیری داشته است. در صورت لزوم، بانک مرکزی ج.ا.ا. با عنایت به محسنات کارت اعتباری می‌تواند با حمایت و تسهیل اعتبار کوتاه‌مدت و بازده معقول آن (نه به صورت قرض الحسنه) و پرداخت آنها از طریق کارت اعتباری در بسته‌های سیاستی و نظارتی، کمک شایانی به توسعه کارت اعتباری نماید.
- چالش‌های فنی و فقهی در بانک‌ها به انتها رسیده‌اند و توان بانکی فقط نیاز به یک اراده جدی برای به حرکت درآوردن قطار اعتباری دارد. از لحاظ محصول، "کارت" پیشنهاد قابل تاملی است که به نظر می‌رسد دغدغه‌های اولیه را کاسته و نیروی محرک خوبی برای راه‌اندازی قطار اعتباری فراهم می‌نماید. و فرصت کافی برای انجام برخی امور و اصلاحات را فراهم می‌سازد. امروزه در کشور، زیرساخت‌های لازم برای راه‌اندازی کارت اعتباری شامل تنوع راه‌کارها و عقود اسلامی برای کسب سود معقول گرفته تا موسسات اعتبارسنجی بعنوان زیرساختی مطمئن وجود دارد.
- کارت اعتباری همچنین، سلامت و شفافیت بخش مالی و اعتبارات بانکی را افزایش می‌دهد. علی‌الخصوص اگر بانک‌ها به رتبه‌بندی مشتریان خود بپردازند و از طرح‌هایی مثل طرح باشگاه مشتریان بانک ملت استفاده کنند. و پروژه‌های اعتباری و رتبه‌بندی را با هم یکپارچه کنند. البته و در غیر اینصورت، بازار کارت اعتباری بدون ضابطه و فقط با رانت و رابطه گسترش خواهد یافت.

---

<sup>۱</sup>مهنایی؛ زینب؛ نشریه شماره ۱۳۵ بانکداری الکترونیک - پرونده "کارت اعتباری- راهکاری برای ورود به حوزه اعتباری در ایران"- مهرماه ۹۱

## ب- چالش‌های کارت اعتباری از منظر اجتماعی

رعایت فرایند دو مرحله‌ای خرید، یعنی فرایند اخذ مجوز برداشت از حساب (authorization) و انجام فرایند دوم یعنی تسویه (clearing & settlement) طی دو پیام جداگانه و با رعایت فاصله زمانی، فرصت بررسی کالا و خدمات دریافتی و اعلام رضایت یا نارضایتی مشتری را فراهم می‌سازد. در این راستا، تقویت قانون حمایت از مصرف‌کننده در استفاده از کارت‌های اعتباری، پیامدهای مثبتی برای جامعه دنبال خواهد داشت. این امر، (یعنی پشتوانه قانونی مناسب) به ترغیب مصرف‌کنندگان و ارتقاء کیفیت کالا و خدمات، و افزایش رقابت سالم بین ارائه‌کنندگان کالا و خدمات می‌انجامد. از سوی دیگر در بخش اجتماعی، شاید برخی ادعا کنند که فرهنگ کارت اعتباری، فرهنگ مصرف‌گرایانه است اگرچه نشان داده شده است که عموم کارت‌های بانکی، توانایی مصرف‌کننده را در دسترسی ایمن و سریع به موجودی بانک (در کارت‌های نقدی) و یا خط اعتباریشان (در کارت‌های اعتباری) افزایش می‌دهند و در این رابطه، استفاده از کارت‌های نقدی همان مزایایی را ایجاد می‌کند که استفاده از کارت‌های اعتباری ایجاد می‌کنند و لذا تاثیر آنها بر شاخص "مصرف" یکسان است ولی گفته می‌شود در جامعه کنونی آمریکا خرید بی دردسر از طریق کارت اعتباری (یعنی خرید نسیه و بازپرداخت آتی) باعث گسترش خرید غیر ضروری و تبدیل عادت مصرف‌گرایانه مردم به فرهنگ مصرف‌گرایی شده است.

بدیهی است که باید نسبت به واکنش‌های اجتماعی پدیده‌ی توسعه کارت اعتباری حساس بود و کارت اعتباری بایستی با برنامه‌ریزی در دسترس عموم قرار گیرد و آگاهانه مورد استفاده قرار گیرد. لیکن، در ایران در این بازه زمانی به جرات می‌توان گفت که توسعه کارت اعتباری، تحول جدیدی در فرهنگ اعتباری ایجاد خواهد کرد و کارت اعتباری و تبعات و پیامدهای بکارگیری صحیح آن در جامعه، کیفیت زندگی مردم و شکل روابط اجتماعی مردم را وارد فاز جدیدی از زندگی متمدن انسان امروزی می‌کند. چرا که وجود خدمات اعتباری بر مبنای قانون، آسودگی و آرامش و اعتماد شهروندان به یکدیگر را به پشتوانه قانون (ونه اخلاق) در جامعه سبب خواهد شد. پس از آن، افراد به دنبال کسب درآمد و حقوق قانونی خود هستند و افرادی اگرچه معدود برای ارائه و فروش کالای بی کیفیت و فرار از خدمات پس از فروش و یا فرار از مالیات، از خانه‌هایشان خارج نخواهند شد.

## ج- چالش‌های کارت اعتباری از منظر اقتصادی

همه می‌دانیم که درجه پویایی اقتصاد با شاخص مصرف ارتباط نزدیکی دارد. چرخه اقتصادی ذیل، دلالت بر تاثیر افزایش مصرف، بر کاهش انبارها و افزایش اشتغال و درآمد و تولید دارد. و در یک اقتصاد سالم با افزایش مصرف، واردات افزایش نمی‌یابد بلکه سیاست‌ها و سرمایه‌گذاری‌های دولت برای فعال‌سازی تولید رقابتی سالم در داخل کشور به گونه‌ای است که باعث رشد تولید می‌گردد. با توجه به تاثیرات مستقیم پرداخت‌های الکترونیک و بطور خاص کارت اعتباری، یعنی افزایش مصرف، می‌توان این کارت‌ها را محرک خوبی برای موتور اقتصاد نامید. البته کارت اعتباری مزایای قابل توجهی به غیر از تاثیرگذاری بر مصرف نیز دارد که در مقاله کارت اعتباری - مزایای کارت اعتباری<sup>۲</sup> تشریح گردید.

Economic Cycle / چرخه اقتصادی



تصویر ۲- چرخه اقتصادی

ولی یکی از چالش‌های اصلی اقتصاد در کشور ما، چالشی است که در بخش تولید وجود دارد. و چالش‌های بخش تولید، چرخه اقتصادی به شرح فوق را معیوب نموده است و وجود شکاف و گسست مربوط به بخش تولید در چرخه فوق، باعث ناکارآمدی محرک‌های اقتصادی بانکی و غیربانکی گردیده است. این چالش‌ها به دست کارت اعتباری حل نمی‌شود. اگرچه شاخص مصرف و افزایش آن، در اقتصاد بسیاری از جوامع مورد توجه قرار گرفته و تدابیر بسیاری برای این شاخص اندیشیده می‌شود. ولی در کشور ما چالش اقتصاد با افزایش مصرف حل نمی‌شود، اگرچه کارت اعتباری قدرت خرید مصرف‌کننده را بالا می‌برد ولی مصرف‌کننده‌ی خوش سلیقه‌ی ایرانی، کالا و خدمات تولیدی در ایران را در شان خود نمی‌بیند و در این زمینه کمی حق دارد. این مساله را نمی‌توان با کاستن سطح توقعات مصرف‌کننده و یا اخذ حق انتخاب در برابر اعطای تسهیلات (در طرح‌هایی مثل طرح میزان) بطور دائم

<sup>۲</sup> مهنایی؛ زینب؛ نشریه شماره ۱۳۵ بانکداری الکترونیک - پرونده "کارت اعتباری- مزایای کارت اعتباری"- مهرماه ۹۱

حل نمود. بلکه این راهکارها موقتی و برای اقشار خاصی جوابگو خواهند بود. متأسفانه باید گفت که بخش تولید رشد نکرده و در بسیاری موارد بخش تولید به مصرف کننده و سلاقی او احترام کافی نمی گذارد. در بخش تولید، نه تنها مصرف کننده عمده خارجی جذب نشده است بلکه امکانات لازم برای انبوه مصرف کنندگان ایرانی نیز فراهم نشده است و سود کلانی از این راه عاید کشورهای همسایه و دور و نزدیک می گردد. به دلیل مشکلات بخش تولید، مصرف کنندگان ایرانی پرورش یافته در اقتصاد نفتی دو دستی به سایر کشورها تقدیم می گردند. بحث شکوفایی اقتصادی و تولید، متأثر از پارامترهای متعددی است، در این بین کارت اعتباری تنها یکی از محرک های شاخص مصرف هست و به تنهایی نمی تواند معجزه کند. از جمله چالش های تولید که باید راهکاری برای آنها اندیشید عبارتند از:

۱. معضل بزرگ تولید در کشور، انزوا از بازارهای جهانی و متعاقباً کاهش نوآوری و ورود دانش فنی و آموزش نیروی انسانی متخصص، عدم رعایت کیفیت و عدم رقابت با استانداردهای بین المللی است. لذا کالا و خدمات تولیدی در کشور در سطحی پایین تر از سطح بین المللی می باشد و باعث نارضایتی مصرف کننده ایرانی از تولیدات داخلی می گردد.
۲. محدودیت در تنوع تولیدات و متناسب نبودن تولیدات برای هر ذایقه، تاثیر زیادی در احترام گذاری به سلاقی گوناگون دارد.
۳. و متأسفانه، اقتصاد نفتی باعث بی نیازی کشور از جذب مصرف کننده خارجی و مرتفع نمودن نیازهای آن دسته متناسب با منابع اولیه در کشور، گردیده است.

### راه کارهای بخش تولید و گسترش کارت اعتباری

اثر بخشی گسترش کارت اعتباری نیازمند یک چرخه اقتصادی سالم می باشد تا محرک های بانکی و غیربانکی از کارایی لازم برخوردار باشند. اقتصاد سالم و فرهنگ متعالی حق مسلم همه ایرانیان است و برای بدست آوردنش باید تلاش کرد.

یکی از راه های کوتاه مدت می تواند این باشد که مسئولان با مردم صحبت کنند. اگرچه اکثر مردم، احساس بدی از اجحاف جامعه بین المللی در برخورداری کشور از انرژی صلح آمیز هسته ای، دارند و شاید انزوا و تحریم و مشکلات اقتصادی متعاقب را به ارتباط با چنین جوامعی ترجیح دهند. ولی باید عاقلانه اندیشید، نمی توان منکر شد که در کنار این حق، ایرانیان حقوق دیگری نیز دارند و نباید تیشه به ریشه هویت خود زده و حق حیات را در این بحران از خود

سلب نمایند. اگرچه الان نمیتوان دنیا را قانع کرد ولی اگر فرصت دیگری در ادامه حیات ایران زمین وجود داشته باشد زمان همه چیز را حل نموده و ایرانیان در مقطع زمانی مناسب‌تر از سایر حقوق خود برخوردار خواهند شد. **شاید** برای ادامه حیات و اثبات ادعاها و حرف‌های مان و سرافرازی پرچم اسلام در آینده، چاره‌ای جز این داروی تلخ (خروج از انزوا و تحریم) نباشد.

تاریخ سی و چندساله انقلاب ما نشان داده است که هرگاه دولت و ملت دست در دست هم گذارده‌اند موفق به انجام کارهای محیرالعقولی شده‌اند. برای شکوفایی اقتصادی، در ابتدا باید سطح اطلاعات و آگاهی عموم را از طریق مناظرات و برنامه‌های آموزشی افزایش داد و موافقان و مخالفان اینگونه تحلیل‌ها درباره تاثیر پارامترهای موثر بر اقتصاد سالم مثل رهایی از انزوا و تحریم در راستای افزایش کارآفرینی و نوآوری و پژوهش و ورود دانش فنی، تنظیم روابط خارجی برای جذب مصرف‌کننده خارجی و افزایش امنیت سرمایه‌گذاری خارجی، حذف محدودیت‌ها و کاهش وابستگی‌های اقتصادی به نفت، برای شکوفا شدن تولید با مردم حرف بزنند. خدا را شکر که دولت و حکومت ما مردم سالار است. و حق انتخاب و تصمیم‌گیری در این مساله مهم را به مردم خواهد داد و در نهایت باید با استفاده از خرد جمعی و همه‌پرسی با ترسیم افق‌های آتی، این مرحله را پشت سر گذاشت.

از سوی دیگر، اگرچه مثال‌هایی وجود دارد که یک پزشک و یا مهندس و ریاضی‌دان بتوانند برای شکوفایی کشور خود، اقدامات چشمگیری انجام دهند. ولی این عده در اکثریت نیستند و حتی این دسته نیز در ابتدا، به تفکر و تحصیل علم در حوزه علوم انسانی پرداخته‌اند تا توانستند به رشد و شکوفایی اقتصادی در ابعاد ملی بپردازند.

لذا در یک برنامه‌ریزی درازمدت و طولانی، باید فرزندان ایران‌زمین را به فراگیری و تحصیل در علوم انسانی رایج جهانی نیز تشویق نمود. باید پذیرفت که به جز مشاغل مهندسی و پزشکی، جامعه نیازمند اقتصاددانان و اندیشمندان علوم انسانی می‌باشد. مدیران و اقتصاددانان اندیشمند و مسلمان در این حوزه می‌توانند علوم انسانی فعلی رایج در دنیا که موفقیت‌ها و بحران‌های جهانی بسیاری را در کنار هم موجب شده‌اند، نقد نموده و به چالش بکشند. عدم اطلاع و عدم کسب دانش و تجربیات جهانی توسط جوانان ما در علوم اقتصادی جهانی، بر مشکلات و چالش‌های داخلی خواهد افزود. باید اجازه داد تا فرزندان در کنار فراگیری علوم انسان‌ساز اسلامی به علوم انسانی رایج جهانی چیره گردند و با استفاده از نقاط ضعف و قوت علوم انسانی رایج فعلی و درک آنها و نیازموندن آزموده‌ها و عدم اختراع دوباره چرخ‌ها، درحوزه نجات انسان‌ها رشد یابند تا در سایه مدیریت دانشمندان و اندیشمندان این حوزه به شکوفایی ملی مستمر دست یافت.